

تکوین دولت مدرن:

درآمدی

جامعه‌شناختی

■ مؤلف: جانفرانکو پوجی

■ مترجم: بهزاد باشی

■ ناشر: آگاه

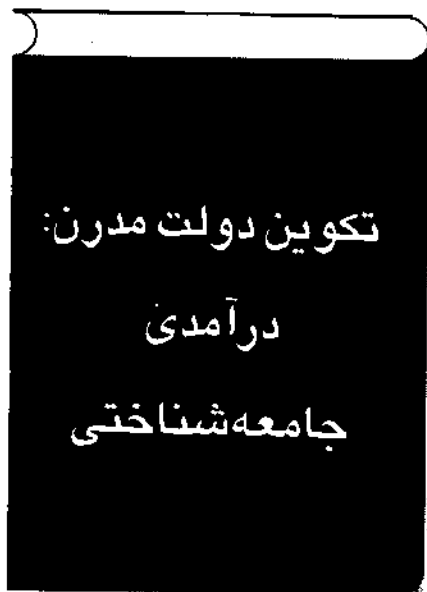
این کتاب که در سال ۱۹۸۹ برای اولین بار توسط انتشارات دانشگاه استنفورد چاپ و منتشر شده دارای پیشگفتار و شش فصل می‌باشد و محور تمامی فصول آن چگونگی تکوین و توسعه دولت مدرن است. برگردان فارسی کتاب به قلم آقای بهزاد باشی است و در پاییز ۱۳۷۷ در حجمی بالغ بر ۲۳۰ ص (قطع رقی) توسط انتشارات آگاه با شمارگان ۲۲۰۰ مجلد راهی بازار شده است که در نوشتار حاضر مورد استناد می‌باشد.

(الف) اهمیت موضوع کتاب

دولت واژه فریبنده‌ای است که شاید در گستره مباحث سیاسی کمتر بتوان معادلی برای آن یافت که از حیث اهمیت بتواند با آن برابری کند. جهت تبیین اهمیت این واژه ذکر یک نکته کفایت می‌کند و آن اینکه، اندیشه‌گران سیاسی در مقام تعریف علم سیاست به دو گروه عمده تقسیم شده‌اند: گروهی که علم سیاست را علم قدرت می‌دانند و گروه دیگری که سیاست را علم دولت تعریف می‌کنند. هم ارزی دولت و قدرت نشان دهنده اهمیت و محوریت مفهوم بنیادین دولت می‌باشد.

بلونشکی در کتاب نظریه دولت خود صراحتاً دیدگاه فوق را تأیید نموده و معتقد است که علم سیاست به معنای درست کلمه علمی است که موضوع دولت را بررسی می‌کند.^۱

همین دیدگاه متعاقباً مورد توجه و تأکید دیگر اندیشه‌گران سیاسی در غرب قرار گرفته به گونه‌ای که مکتب موسوم به هواداران دولت پدید می‌آید. رافائل در تأسی به سنت فوق است که به طور قطع امر سیاسی را پدیده‌ای می‌داند که به نحوی با دولت در ارتباط باشد.



● اصغر افتخاری
سر دبیر فصلنامه مطالعات راهبردی

بدین ترتیب گستره دولت با گستره سیاست یکسان خواهد بود.^۲ از این منظر اندیشه سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی پیرامون موضوع واحدی سخن می‌گویند و آن دولت است. بر همین مبناست که باری تاریخ نظریات سیاسی را به تاریخ نظریه‌های بیان شده در باب دولت تقلیل داده^۳ و یا پوجی در اثر حاضر، از جامعه‌شناسی دولت سخن می‌گوید. اگر به منازعه جاری در محافل علمی اروپای غربی در قرون نوزده و بیست نگاهی داشته باشیم، ادعای نظری فوق از حیث تاریخی نیز تأیید می‌شود. دایسون از این منازعه در «سنت دولت در اروپای غربی» یاد کرده و نشان داده است که در ورای دیدگاه‌های مختلف آنچه مورد نزاع بوده، دولت بوده است و بیس.^۴ این مطلب در کتاب اندرو وینست نیز به خوبی نشان داده شده است، آنجا که از نظریه‌های مختلف دولت به تفکیک و تفصیل تمام سخن گفته و چنین می‌نویسد:

«استدلال اصلی کتاب حاضر این است که فهم مقوله دولت، لازمه درک اندیشه سیاسی و سیاست در قرن‌های نوزدهم و بیستم [اروپا] است.»^۵

بنابراین موضوع کتاب پوجی در سنت غربی دارای ارزش بسیاری است و مؤلف با ورود به این حوزه در حقیقت به بررسی محور علم سیاست در قرون اخیر پرداخته است. غرب اکنون به آنجا رسیده است که برای سیاست باید پارادایم (سرمشق / الگوی اصلی) تازه‌ای بیابد تا بتواند جایگزین پارادایم سابق - یعنی قدرت که اجماعی نسبی درباره آن وجود داشت - بشود و چنانچه که از ظاهر امر بر می‌آید دولت بهترین گزینه بوده است.

البته این مطلب در خصوص سیاست شرقی به طور اعم و سیاست در ایران به طور اخص نیز صادق است. چرا که به تبع تحولات اخیر شاهد جلب توجه اندیشه‌گران مسلمان به موضوع دولت در اندیشه سیاسی اسلام و ایران هستیم به گونه‌ای که تاکنون آثار متعددی شامل مقاله و کتاب در این زمینه چاپ و منتشر شده است.

نکات بالا ما را به این نتیجه می‌رساند که اثر حاضر باید با دقت و تأمل بیشتری مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. آنچه در این نوشتار آمده صرفاً کلیاتی است که می‌تواند توسط دیگر ناقدان ناصح تکمیل شود.

(ب) معرفی اجمالی اثر

مؤلف بر این باور است که جامعه‌شناسان در برخورد با موضوع حساس و مهم دولت، با نقصان در میراث تحقیقاتی خود مواجه می‌شوند و به این مطلب تظن می‌یابند که گویا اسلاف ایشان چنان که شایسته و بایسته است برای بررسی این موضوع مهم از خود اقبال نشان نداده‌اند. بنابراین اولین رسالت رشته جامعه‌شناسی در عصر حاضر آن است که به تقویت بنیاد علمی - پژوهشی خود در این زمینه بپردازد. فلسفه وجودی اثر حاضر نیز دقیقاً در همین جا مشخص می‌شود به گونه‌ای که مؤلف اظهار می‌دارد:

«برای [رفع این نقیصه] راه‌های متنوعی وجود دارد که این کتاب فقط یکی از آن‌ها را بررسی می‌کند. گزینش من این است که مراحل عمده تکوین دولت مدرن را تا قرن نوزدهم مورد بحث قرار دهم و سپس در یک جمع‌بندی مختصر، تحولات بعدی در روابط دولت و جامعه را بررسی کنم.» (ص ۱۲)

نویسنده برای نیل به این هدف عمده البته با مشکل کمبود منابع معتبر مواجه بوده و لذا سعی کرده با مراجعه به قانون اساسی کشورها و تاریخ نهادهای سیاسی در غرب بتواند متن معتبری را برای بررسی جامعه‌شناختی دولت فراهم سازد.

فصل اول کتاب به بررسی مقوله حکومت کردن اختصاص دارد. علت انتخاب این نقطه آغازین، آن است که دولت مدرن به عنوان سر جمع‌کننده کلیه اداراتی که فعالیت‌های پیوسته و منسجم افراد در درون آنها جریان می‌یابد، کار حکومت بر جامعه را به خود اختصاص می‌دهد. بنابراین اولین سؤالی که به ذهن پژوهشگر در مواجهه با دولت مدرن خطور می‌کند، این است که:

«دولت مدرن از مجموعه پیچیده‌ای از ترتیبات نهادی پدید می‌آید که چه کند؟» (ص ۱۷)

بدین ترتیب مشخص می‌شود که پرسش از مقوله حکومت کردن در حقیقت سؤال از هدف عالی تشکیل دولت مدرن می‌باشد. مؤلف برای پاسخ به این سؤال به ارایه دو تعریف کلان از سیاست می‌پردازد که هر یک از این دو دیدگاه پاسخی را به سؤال فوق می‌دهند.

دیدگاه اول توسط دیوید ایستون اندیشه‌گر سیاسی امریکایی مطرح شده است. ایستون در کتاب سیستم سیاسی^۶ تعریفی از فرآیند اجتماعی ارائه می‌کند که مبتنی بر تخصیص ارزشهاست و سیاست در این دستگاه به علم چگونگی تخصیص ارزشها تعریف می‌شود:

«بحث ایستون فراگرد اجتماعی را هم چون جریان مداوم فعالیت‌های متنوعی در نظر می‌آورد که باعث می‌شود تعداد محدودی از اشیای با ارزش روی زمینه‌ای از تأثیرات متقابل، به افرادی داده یا از آنها گرفته می‌شود و بالاترین علاقه آن افراد نیز تخصیص دادن اشیاء به خود و تمتع از آن است.» (ص ۱۸)

دیدگاه دوم توسط کارل اشمیت دانشمند دست راستی آلمانی در کتاب استنباط از سیاست^{۱۰} مطرح شده است. او بر این عقیده بود که جهت تعریف ماهیت سیاست لازم است قلمروی ممتاز و قابل تشخیص برای تصمیم‌گیری شناسایی شود که اصطلاح سیاسی بتواند قانوناً در مورد آن به کار برده شود. وی روش تعیین و اصطلاح متضاد را به کار گرفت که مطابق آن شما با تعریف متضاد خود به اثبات خویش همت می‌گمارید. چنان که خوب را با بد یا قانونی را با غیرقانونی می‌شود تعریف کرد. بر این اساس او دو واژه متضاد «دوست / دشمن» را پیشنهاد می‌کند که کل سیاست مطابق آن تعریف می‌شود:

«در رویارویی ما با دیگران، ما آن مجموعه‌هایی را به عنوان دوست تعریف می‌کنیم که تعریف خود آن‌ها از دوست یا دشمن، با محفوظ ماندن خودمختاری و تمامیت جامعه ما در شرایطی مفروض، سازگار است و آن‌هایی را دشمن توصیف می‌کنیم که وجودشان یا فعالیت سیاسی آن‌ها، تمامیت یا خودمختاری جامعه ما را تهدید می‌کند» (ص ۲۵)

از این رو سیاست، آمادگی مداوم برای یک درگیری احتمالی با دیگران استیزه‌جو تعریف می‌شود.

مطابق دو تعریف فوق، دولت فلسفه وجودی پیدا می‌کند که یا در امر تخصیص ارزشها به فعالیت و حکمرانی بپردازد و یا در مقام مقابله با دیگران استیزه‌جو برآید و بدین ترتیب بود که تاریخ دولت در حیات بشری آغاز می‌شود.

فصول بعدی کتاب در حقیقت وقف شرح یک سنخ‌شناسی کلی از انواع دولتها شده است. مؤلف بر این باور است که در طول تاریخ ما با سه سنخ از نظام حکومتی مواجه بوده‌ایم: فئودالیسم، اشتند شتات و مطلقه. ادعای مؤلف بر آن است که توالی فوق در شکل‌گیری دولت مدرن نقش بسزایی را داشته است. بنابراین بحث خود را از امپراتوری کارولینژین که مطلع نظام فئودالی به حساب می‌آید، آغاز کرده و سپس تا اوایل قرن دوازدهم و اوایل قرن چهاردهم به پیش می‌رود یعنی زمانی که نظام فئودالیت (از اوج به حضيض گرائیده و به جای آن اشتند شتات‌ها ظهور می‌کنند. همین وضعیت در قرون شانزدهم و هفدهم مجدداً تکرار می‌شود، با این تفاوت که این بار حکومت‌های مطلقه جا بر اشتند شتات‌ها تنگ کرده و مطرح می‌شوند. دولت مطلقه را طلیعه دولت مدرن خوانده‌اند به گونه‌ای که با زوال آن در قرون هجده و نوزده، به زعم بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی دوره حیات جامعه مدنی فرا می‌رسد.

در سنخ‌شناسی فوق، دو عنوان فئودالیسم و مطلقه

برای خوانندگان و دانشجویان سیاسی شناخته شده می‌باشد و فقط اصطلاح اشتند شتات است که غریب و نامأنوس می‌نماید. درخصوص این نظام که مطابق روش و گفت‌وگو آلمانی وضع شده باید گفت که، غرض مؤلف، همان چیزی است که ما به آن «دولت اصناف» اطلاق می‌کنیم. این سنخ از دولت به موازات ظهور شهرها به وجود آمده و ماحصل نیروهای سیاسی تازه‌ای است که در شهرها فعال شده‌اند.

در فصل پنجم کتاب، مؤلف با ورود به یک بحث انتزاعی، به بررسی ویژگی‌های دولت مدرن از حیث قانونی می‌پردازد، هدف اصلی مؤلف آن است تا به طور مصداقی نظام حقوقی کشورهای اروپایی قرن نوزدهم را مورد تحلیل قرار داده در ورای مخالفت‌های صوری آنها به اصول مشترکی که از حیث جامعه شناختی مهم

◀ موضوع کتاب پوجی در سنت غربی دارای ارزش بسیاری است و مؤلف با ورود به این حوزه، در حقیقت به بررسی محور علم سیاست در قرون اخیر پرداخته است.

◀ فلسفه وجودی دولت از دیدگاه دیوید ایستون تخصیص ارزشهای کمیاب به افراد یا گرفتن از آنها و از دیدگاه کارل اشمیت آمادگی مداوم برای یک درگیری احتمالی با دیگران استیزه‌جوست.

تلقی می‌شود، دست یابد. برای همین منظور، مؤلف، سیر تحولات تکوین دولت مدرن را در چند حوزه مهم مورد بررسی قرار داده است که نتیجه نهایی آن را می‌توان به شکل زیر خلاصه کرد:

اول) ماهیت تازه‌ای از نظام دولت پدید می‌آید که در آن تجدد و وحدت دولت و محوریت اصل حاکمیت در قلمرو داخلی در اولویت قرار دارد.

دوم) دولت مدرن در تأمین مشروعیت خود به آنجا می‌رسد که به جای منابع روحانی، عاطفی و یا مبتنی بر عادت، صرفاً به منبع عقلانی از مشروعیت تکیه نماید. سوم) قانون اساسی، به عنوان ضامن اصلی حقوق متقابل شهروندان و دولت مطرح می‌شود. استنتاج مؤلف پس از بررسی خسته‌کننده بالا، آن است که بروز درگیری بین مراکز خودمختار قدرت در اروپا، فرآیند

سیاسی تازه‌ای را شکل می‌دهد که دولت مدرن، از درون آن پدید می‌آید. مهم‌ترین شاخص‌های این فرآیند سیاسی مطابق آنچه در کتاب آمده عبارتند از: مدنیت، کثرت‌گرایی و ضرورت وجود اختلاف نظر.

آخرین فصل از کتاب به بررسی پاره‌ای از نتایج که ماحصل کارکرد دولت در عصر حاضر هست، اختصاص دارد. مؤلف در این قسمت به صورت اجمالی به دو گونه از نتایج اشاره دارد: کمی و کیفی.

«در این بخش برخی نتایج را برای ساختار دولت معاصر غربی بررسی خواهیم کرد. دیدنی‌ترین آنها احتمالاً نتایج کمی‌اند: افزایش‌های بزرگ در تعداد کارمندان دولت، در تعداد تولید اجتماعی که دولت از طریق وضع مقررات زیر کنترل می‌گیرد و در عملیات خود جذب می‌کند و یا در تکثیر سازمان‌های اداری.

اما من ترجیح می‌دهم نخست به اختصار به تغییرات کیفی بپردازم که مخصوصاً روی نهادهای پارلمانی، انتخاباتی و فراگرد قانونگذاری اثر می‌گذارند.» (ص ۲۱۶)

چ) مروری انتقادی بر مباحث کتاب انتقاداتی را که به اثر حاضر وارد است می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود:

اول) نقاط ضعفی که متوجه مؤلف کتاب است: ۱- اثر حاضر چه از حیث محتوا و چه از حیث منابع مورد استناد، شدیداً غرب محور بوده و متأسفانه در تکوین دولت مدرن همانند بسیاری دیگر از موضوعات در علم سیاست، نقش و سهم دیگر حوزه‌های تمدنی نادیده انگاشته شده است.

«من عمدتاً از دو گروه متون مربوط در این زمینه استفاده کرده‌ام: تاریخ نهادهای سیاسی غرب و تا حد کمتری، قانون اساسی. افزون بر این همه، تقریباً به گونه‌ای انحصاری به کارهای اروپایی و به ویژه نشریاتی تکیه کرده‌ام که به زبان آلمانی منتشر شده‌اند.» (ص ۱۳)

اعتراف صریح مؤلف، نشان دهنده محدودیت بیش از حد حوزه پژوهشی او می‌باشد. به گونه‌ای که اثر، کاملاً رنگ و بوی آلمانی گرفته و ضروری است تا عنوان آن از تکوین دولت مدرن به «تکوین دولت مدرن از منظر جامعه‌شناسی آلمانی» تغییر یابد.

۲- نقیصه دیگر اثر حاضر، عدم توجه به مباحث جاری در حوزه اندیشه سیاسی پیرامون دولت مدرن می‌باشد. اگر ادعای وینسنت را بپذیریم که قایل به وجود ارتباطی وثیق بین اندیشه و تاریخ دولت مدرن در اروپا می‌باشد، هرگز نمی‌توانیم این حوزه مهم پژوهشی در ترسیم سیمای جامعه شناختی دولت مدرن را نادیده بگیریم.

«محدودیت رویکرد من در آن است که به تحولات واقع شده در تئوری سیاسی و ایدئولوژی که با شکل‌گیری دولت مدرن همراه بوده، نپرداخته است.» (ص ۱۳)

این نقص، هنگامی بارز می‌شود که مؤلف در بررسی این موضوع مهم بین رشته‌ای خود را فارغ و بی‌نیاز از رشته‌های دیگر حس کرده صراحتاً اظهار

«شخصاً هیچ کوششی برای بهره‌جویی از این رشته‌ها نکرده‌ام. مردم‌شناسی را کسل‌کننده و ملال‌آور یافته‌ام، از علم اقتصاد سر در نمی‌آورم و در مورد علوم سیاسی باید بگویم که این رشته طی سی سال اخیر ظاهراً فقط بدان جهت در چنان ابعاد باورنکردنی توسعه یافته است که بتواند دولت را فراموش کند.» (ص ۱۴)

و این بی‌توجهی و یا کم‌توجهی البته که خود را در تحلیل مؤلف از پدیده مهم دولت نشان داده، منجر به تضعیف سیمای ترسیمی از دولت مطابق نگرش جامعه‌شناختی او شده است. این مطلب به شکل واضحی خود را در ارزیابی مؤلف از نظریه سیاسی ایستون و اشمیت نشان داده است آنجا که در اعتبار آنها راه افراط پیموده، بدون توجه به دیدگاه‌های معتبر در حوزه سیاست نو می‌نویسد:

«کاستی‌های نظریه‌های ایستون و اشمیت هرچه باشد، من شک دارم در سیاست نو، هیچ نظریه دیگری در این سطح بتواند به اندازه آنها قابل اعتنا باشد» (ص ۳۶)

۳- تعلق بیش از حد مؤلف به سنت آلمانی، گسترده نفوذ و اعتبار استنتاجات به عمل آمده را به شدت محدود می‌سازد تا آنجا که کلام و شیوه‌گفتار مؤلف ثقیل و برای دانشجویان چندان آشنا نیست. این مطلب ارتباط خواننده با متن را دچار مشکل می‌سازد.

«این نوع از سنخ‌شناسی غالباً مورد استفاده دانشجویان و محققانی بوده است که روی جنبه‌های تاریخی و حقوقی نهادهای سیاسی در سنت آلمانی کار می‌کنند و محققانی که بر اساس سنت‌های فرانسوی، امریکایی و انگلیسی تحقیق می‌کنند، با این سنخ‌شناسی آشنایی چندانی ندارند.» (ص ۳۹)

نقیصه فوق به هنگام تعیین قلمرو مباحث جامعه‌شناختی مؤلف مجدداً نمودار می‌شود. آنجا که از اروپای غربی و به طور اخص آلمان به عنوان مرکز ثقل مباحث یاد شده نام می‌برد و تاریخ تحولات اروپا و یا دیگر مناطق مهم جهان را به فراموشی می‌سپارد. (ص ۴۰)

۴- دولت، مفهوم مورد مناقشه‌ای است که در معنا و کاربرد، اختلاف نظرهایی را موجب شده است. این ادعای دایسون که به صورت مبسوط و مستدلی در سنت دولت در اروپای غربی تبیین شده است^۶ حکایت از حقیقتی دارد که متأسفانه مدنظر مؤلف قرار نگرفته است. تعریف دولت مدرن و ارایه مهمترین ویژگی‌های آن - که هارت در کتاب مفهوم قانون سعی زیادی را در تبیین آنها نموده است^۷ - وظیفه مهمی است که کمترین توجه به آن در تکوین دولت مدرن نشده است. مبهم گذاردن مرزهای نظری مفهوم دولت مدرن خواننده را در درک مطالب جامعه‌شناختی کتاب با مشکل مواجه می‌سازد. این نقیصه با آوردن مقدمه‌ای توسط مترجم به عنوان پیش درآمد در معرفی دولت مدرن قابل رفع می‌باشد.^۸

به علت عدم تفکیک دقیق مفهوم دولت مدرن

از مفهوم سنتی آن، مرزهای این دو پدیده به هم درآمیخته است و ما شاهد خلط مباحث مربوط به دولت می‌باشیم. موضع‌گیری علمی مؤلف در این خصوص که به چه دلیل دولت معاصر را دولت مدرن خوانده و وجه تمایز آن از دولت در سنت پیشین چیست، به صورت مبهم صورت پذیرفته و چنان نشان داده شده که گویا در این زمینه یک دیدگاه حاکم وجود دارد که حکم به تفکیک دولت مدرن از دولت شهر یونانی می‌نماید. البته واقعیت چیز دیگری است و ما در حوزه دولت‌پژوهی شاهد طرح دو دیدگاه عمده و بدیل هستیم:

اول - دیدگاهی که قایل به تفارق کلی و کامل این دو مقوله و نفی هرگونه شباهتی بین دولت مدرن با دولت شهر یونانی است. آراء و نتیجه تحقیقات مندرج در کتاب تکوین دولت^۹ و کتاب نظریه سیاسی در قرون

▲ **اشتنده شتات همان چیزی است که از آن به «دولت اصناف» اطلاق می‌شود، این سنخ از دولت به موازات ظهور شهرها به وجود آمده و ماحصل نیروهای سیاسی است که در شهرها فعال شده‌اند.**

▲ **اثر حاضر از حیث محتوا و منابع، غرب محور بوده و متأسفانه در تکوین دولت مدرن، مانند بسیاری دیگر از موضوعات در علم سیاست، نقش و سهم دیگر حوزه‌های تمدنی نادیده انگاشته شده است.**

میانه^{۱۰} مؤید این ادعاست و شواهد تاریخی و عقلی مستدلی را در این ارتباط به ما ارایه می‌دهد.

دوم - دیدگاهی که قایل به وجود شباهت‌های غیرقابل انکاری بین دولت مدرن و دولت شهر یونانی می‌باشد. استدلال بولشان و مولگان در این خصوص قابل توجه می‌نماید و دیدگاه انحصاری اول را تا حدود زیادی زیر سؤال می‌برد.^{۱۱}

با این توضیح، گزینش یک سوپه و به دور از استدلال مؤلف و انتخاب دیدگاه اول نه تنها سؤال‌برانگیز و در خور نقد است، بلکه به میزان زیادی در ارزش علمی کار او خدشه وارد می‌نماید.

عز آخرین نقدی که در اینجا قابل ذکر است به تصویر مؤلف از دولت مدنی بازمی‌گردد. همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد، مؤلف چنان که باید در تعریف و

تحدید این مفهوم در کتاب خود نپرداخته است و هم خود را صرف تشریح جامعه‌شناختی پدیده‌ای واقعی به نام دولت مدرن نموده است. آن غفلت اولیه منجر شده تا به غلط این گمان در ذهن خواننده ایجاد شود که گویا اساساً چیزی به نام دولت مدرن وجود خارجی واحد و مشخصی دارد که می‌توان از بستر جامعه‌شناختی تولد آن سخن گفت. در حالی که حقیقت چیزی خلاف این گمان را می‌رساند. ما در عرصه سیاست نه با دولت مدرن بلکه با دول مدرن مواجه بوده‌ایم که هریک تاریخچه جامعه‌شناختی خاص خود را دارند. اگرچه مؤلف به تشریح شکل خاصی از دولت مدرن - آن گونه که در سنت آلمانی معروف است - پرداخته و لیکن به علت کم‌توجهی به مطلب فوق آن را درآمدی جامعه‌شناختی به دولت مدرن به معنای کلی دانسته، تعمیم‌هایی را داده است که از ارزش تحلیلی قابل قبولی برخوردار نیستند. این جمله لوباز در پیدایش دولت مدرن در این زمینه، بسیار گویا و رهگشاست:

«نخستین چیزی که درباره دولت مدرن به معنای مطلق کلمه باید گفت این است که چنین دولتی وجود ندارد و هرگز وجود نداشته است. تنها می‌توان گفت که شمار بسیاری از دولتهای مدرن با نظام‌های حقوقی بسیار گوناگون از نظر تاریخی وجود داشته است.» (ص ۱۲)

دوم) نواقص و کاستی‌هایی که در برگردان فارسی اثر وجود دارد:

۱- نظر به ملاحظات که در ذیل عنوان اول آمد، معلوم می‌شود که علیرغم عنوان جذاب اثر به خاطر انحراف محتوایی اثر از جامعه‌شناسی دولت مدرن به بررسی تحولات دولت در آلمان، اولویت و اهمیت ترجمه اثر چندان چشمگیر نیست. شاید به یک تعبیر بتوان کتاب فوق را برای دانشجویان آلمانی و یا حداکثر دانشجویان اروپایی جذاب یافت والا ورود به مسایل ریز تحولات تاریخی در آلمان و اروپای غربی تا حدودی برای خواننده ایرانی ملال‌آور هست. به طور قطع عنوان اثر نسبت به محتوای آن از جذابیت بیشتری برخوردار است و در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که متن کتاب، حق عنوان را ادا نمی‌کند.

۲- در متن، جملات مبهم متعددی وجود دارد که حکایت از برگردان ناقص متن اصلی دارد. به عنوان نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

- «ایستون خود را متعهد به این می‌کند که نظریات خودش را با آوردن این قید تعدیل می‌کند که هر سهمیه‌بندی مبتنی بر فرماندهی را نمی‌توان سیاسی تلقی کرد...» (ص ۲۰)

- «او چیزی را به مبارزه دعوت می‌کرد که در نظر او این گونه مجسم می‌شد: تعریف‌های دیوانه‌کننده دور باطلی که همکاران او از دولت به عنوان یک موجودیت سیاسی و از خود سیاست به عنوان ایالت دولت» (ص ۲۳)

- «سیاسیات ایستون در تدابیر مجمع قانونگذاری یا احکام یک قاضی خلاصه می‌شود: نماذگرا، استدلالی و مدنی‌اند» (ص ۳۰)

- «در حداقل، تأثیر آن نیرو در جا به جا شدن تعادل

قدرت میان حاکم ارضی و فئودال‌های او به عنوان تنها متحدانی که می‌شد یکی را بر ضد دیگری به کار برد، می‌بایست به حساب می‌آمد» (ص ۷۰)

- «برخلاف آن، شهرها قدرت و خودمختاری سیاسی را هم چون انباشتی یک پارچه به دست می‌آوردند و آن را از طریق یک کاسه کردن داوطلبانه خواست‌های مساوی‌های منفرد بی‌قدرت - و از طریق یک کاسه کردن منابع - مستمراً فعال نگاه می‌داشتند.» (ص ۷۲)

- «واضح - مجمع تجسم همان سرزمین بود - را به رسمیت می‌شناخت و آن را تنفیذ می‌کرد» (ص ۸۶)

۳- در ترجمه متن، الفاظ و معادل‌های ثقیل و نامأنوسی به کار رفته است، برای نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود

- اصطلاح «ساختکاری» در جمله:

«اجازه بدهید سه طریق بنیادی در ساختکاری فراگرد تخصیص را مورد توجه قرار دهیم...» (ص ۱۹)

- اصطلاح «معمول‌های روزمره» در جمله:

«بسیج همه منابع، چشم پوشی از معمول‌های روزمره، اکتشاف راه‌های جدید کار که گاهی انجام آن برای بقای جامعه ضرورت پیدا می‌کند» (ص ۲۲)

- اصطلاح «تنگنایی بودن» در جمله:

«جنبه اصلی در شرایط انسان، از لحاظ ایستون تنگنایی بودن آن شرایط و از لحاظ اشمیت، خطر است.» (ص ۲۹)

- اصطلاح «تنگ معنایی» در جمله:

«اصطلاح نظام کهن در کتاب توکویل با همه تنگ معنایی آن نیز می‌تواند به عنوان علامت دیگری برای این آخرین دوره انتقال به کار برده شود» (ص ۴۱)

- اصطلاح «حاکمی‌گری» در جمله:

«حاکمی‌گری همیشه با کنترل ابزار جبر ملازمه دارد» (ص ۱۷۲)

۴- در بعضی موارد، به جای اینکه معادل فارسی لغات و اصطلاحات قید شود، اصل لغت بیگانه استعمال شده است. مثلاً به جای حق معافیت، «فرانچیز» و به جای انواع مختلف، «واریانت» بکار رفته و یا اینکه واژه اشتباه شتات، بارها تکرار شده است.

د) نتیجه‌گیری

جامعه‌شناسی دولت مدرن هم از حیث محتوا که به بررسی پدیده مهم دولت مدرن می‌پردازد و هم از حیث روش که با نگاهی جامعه‌شناختی به این پدیده مهم می‌نگرد، قلمرو مطالعاتی جدید و کم سابقه‌ای می‌باشد. ولی این امر چیزی از اهمیت و حساسیت آن نمی‌کاهد چرا که حجم قابل توجهی از آثار که در مدتی اندک تحریر و ارایه گردیده، نشان دهنده حساسیت بیش از حد این موضوع است. دکتر بشیریه در مقام بیان تازگی و اهمیت آن می‌گوید:

«رابطه میان دولت و جامعه به عنوان موضوع اصلی جامعه‌شناسی یکی از مهمترین و شاید بتوان گفت مهمترین موضوع نظریه‌پردازی سیاسی و اجتماعی در

طی قرون اخیر بوده است. تأمل درباره این رابطه با تکوین دولت مدرن آغاز گردید»^{۱۲}

بدین ترتیب شکل‌گیری دولت مدرن نه تنها در حیات سیاسی انسان مؤثر بوده است بلکه در حوزه نظری، موجد تأملات تازه‌ای گردیده که امروز ما کم و بیش از طریق ترجمه و یا رجوع به متون اصلی، با آنها آشنا می‌شویم.

دولت مدرن امروزه به عنوان موضوعی مستقل از متون کلاسیک و قدیمی مربوط به انواع حکومت - که به بررسی فرآیند شکل‌گیری انواع حکومت‌ها اختصاص دارند^{۱۳} - مورد مطالعه قرار گرفته و خود به حوزه پژوهشی فعالی تبدیل شده است.^{۱۵} بدین ترتیب اثر حاضر از آن حیث که به طور مشخص از دولت مدرن و

◀ عدم توجه به مباحث جاری در حوزه

اندیشه سیاسی، احساس بی‌نیازی از رشته‌های دیگری که با موضوع مرتبط هستند و مبهم‌گذاردن مرزهای نظری مفهوم دولت مدرن، از جمله نقایصی است که به مؤلف کتاب باز می‌گردد.

◀ ما در عرصه سیاست، نه با دولت

مدرن بلکه با دول مدرن مواجه بوده‌ایم که هریک تاریخچه جامعه‌شناختی خاص خود را دارند.

◀ وجود جملات مبهم در متن و

بکارگیری الفاظ و معادل‌های ثقیل و نامأنوس از جمله کاستی‌هایی است که به مترجم کتاب باز می‌گردد.

لوازم جامعه‌شناختی آن سخن گفته، مهم و درخور توجه علمی می‌نماید. ولی انتقاداتی که به محتوای اثر وارد است ما را وامی‌دارد تا در ارزیابی خود جانب احتیاط را گرفته ضمن تأکید بر نواقص و محدودیت‌های پژوهشی اثر، آن را به اعتراف خود مؤلف، یک مشق کوچک تنها به عنوان مقدمه‌ای برای درک عملکرد دولت در جوامع معاصر تلقی کنیم. مشقی که اگرچه جوابگوی نیاز جامعه علمی ما در حد بیان کلیات مفید می‌باشد امید آن که انتشار، معرفی و نقد آثاری از این قبیل زمینه را برای تألیف و یا ترجمه آثاری وزین در این حوزه فراهم آورد و ما در آینده نزدیک، شاهد چاپ آثاری باشیم که در معرفی دولت مدرن به جامعه علمی - پژوهشی ما بیش

از آنچه که آثار فعلی انجام داده‌اند، موفق و کارساز باشند و در نهایت هدف اصلی مؤلف حاصل آید که:

«تأکیدها و پرهیزها هرچه باشند، ارزش‌نهایی این مجموعه باید دست کم برخی جاهای خالی اطلاعات و علایق علمی بسیاری از جامعه‌شناسان را پر کند و در بهترین حالت چارچوب مناسبی را برای توضیح معقول (فرآیند) این جهانی تأمین کند. برای جامعه‌شناسان مسئله بزرگ‌تر البته این است که درک روشن‌تری از عملکردهای دولت در جوامع معاصر به دست آورند.» (ص ۱۵)

یادداشتها:

1. see: Bluntschki, J.K., *The Theory of The stat*, Oxford, Oxford University Press, 1985.

2. see: Raphael, D.D. *Problems of Political Philosophy*, London, Macmillan, 1970.

3. see: Barry, N.P., *An Introduction to Modern Political Theory*, London, Macmillan, 1981.

۴- در این ارتباط نک:

- اندرو وینست، نظریه‌های دولت، حسین بشیریه، تهران، نی، ص ۷۳.

۵- همان، ص ۱۵.

۶- همان، ص ۷۳.

7. see: Hart, H.L. *The Concept of Law*, Oxford, Clarendon Press, 1961.

۸- در این ارتباط به مقدمه مترجم بر کتاب نظریه‌های دولت مراجعه شود که تا حدود زیادی در رفع نواقص اثر موفق بوده و می‌تواند الگوی خوبی برای کارهای مشابه باشد.

9. see: Cheyette, F.L., *The Invention of state*, In: Bede Karl Lackner and K.R. Philip (eds), *Essay on Medieval Civilization*, University of Texas, 1978.

10. Ullman, W., *Medieval Political Thought*, Harmondsworth Middx., Penguin Book, 1975.

11. see: Bultmann, R., *Primitive Christianity*, London, Collins, 1956 Mulgan, R.G., *Aristotle Political theory*, Oxford, Oxford University Press, 1977.

۱۲- به نقل از: نظریه‌های دولت، پیشین، ص ۷۳.

۱۳- حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نی، ۱۳۷۴، ص ۲۱۸

۱۴- به عنوان مثال نک:

- Bentley, A., *The Process of Government*, Harvard, 1967.

- Finer, S.E. *Comparative Government*, London, 1970.

15. see: Held, D. *Political Theory & The Modern State*, London, Polity Press, 1989.

• Easton, D., *The Political System*, New York, 1953.

• Schmitt, C., *Der Begriff des Politischen*, Berlin, 1963.